

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من ميباد
بدین بوم ویر زنده یک تن ميباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ناهید غزل - ویرجینیا

22 جون 2013

ماتم

آسمان، ای آسمان! ای پهنای بی انتهای!
باز ماتم نما، باز لحاف کبود ابرها را در بر کش، باز چون قلب غمناک من
غمگینانه گریه کن.
آه! بنگر کنار این دیوار سرد ملال چگونه سایه های یأس، گورکن شدند و
ابدیت مرا نشان میگذارند. گریه کن تا قطار دلگیر حبابها راه گلویم را رها
سازد و با تو همنوا گردم.
برایت تفسیر خواهم کرد که زمانه چگونه مرا میرنجانند. برایت فریاد خواهم
زد، چنان فریاد تا ستونهای قلبت را بشکند.
آشفتهگی من شکوهت را میرباید و از دامن صبرت سیلاب را میرهاند.
من در بیابانی که دامنه اش در مرز حرمان و یأس میرسد سرگردانیها را
پشتواره کردم و آخرین الفاظ عشق در کوره خشکیده حلقم پر از ارمان
میسوزد.
ساقه هستیم را موریانه غم میخورد و روح سوی دره نامعلوم نیستی سوق
میگردد.

آی آسمان، ای آسمان! بیار، بیار! که متواری بیابان خشکیده ملال و رنج هستم
و جز رحمت تو بشارت امیدی را ندارم و نه همدرد و همنوائی.

(ناھید "غزل" غنی زاده)